

معنی کلمات درس چهارم عربی دوازدهم انسانی

راقِبَ: مراقبت کرد	أَرُونِي: نشانم دهید «أروا + نون وقایه + ی»
الْمُهَدِّد: تهدید کننده	تَحَقَّقَ: تحقق یافت
الْأَفْرَاح: جوجه‌ها «مفرد: الْفَرَّخ» = الْفَرَاخ	الْحَمْضِيَّة: اسیدی
الْتَلَوْتُ: آلودگی	قَرَّرَ: تصمیم گرفت
رَبَّى: پرورش داد (مضارع: يُرَبِّي)	الْإِسْتِقْرَار: آرامش و ثبات
مَوْلِم: دردآور	تَعَدَّى: دست درازی کرد (مضارع: يَتَعَدَّى)
الْإِكْتَار: بسیار گردانیدن، زیاده‌روی	الْخَبِير: کارشناس «جمع: الْخُبَرَاء»
التَّوَاظُن: تعادل	الْكَائِنَات: موجودات
السَّمَاخُ ل: اجازه دادن به (سَمَحَ)	الْأَسْمَدَه: کودها «مفرد: السَّمَاد»
هُنَاكَ: آنجا، وجود دارد	تَعَرَّضَ: در معرض قرار گرفت
الْبَيْئَه: محیط زیست	الْخَضْرَاوَات: سبزیجات
الْحَقْل: کشتزار «جمع: الْحُقُول»	الْمُزَارِع: کشاورز = الْفَلَّاح
الْفِرَان: موش‌ها «واحد آن: الْفَارَه»	إِطْلَعَ: آگاهی یافت «مضارع: يَطْلُع»
يَعِيشُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ: از یکدیگر تغذیه می‌کنند	تَعَدَّى: تغذیه کرد (مضارع: يَتَعَدَّى)
	الْخَلَل: نابسامانی ، شکاف

حَوْلَ النَّصِّ

درباره متن

۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

با توجه به متن درس درست و نادرست را شناسایی کن.

۱- الرُّوَاطُ الْمُتَدَاخِلُهُ بَيْنَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ وَبَيْنَتِهَا تَوْدَى إِلَى اخْتِلَالِ التَّوَاظُنِ فِي الطَّبِيعَةِ. نادرست ✗
معنی: روابط کاملاً در هم تنیده میان موجودات زنده و محیط منجر به اختلال تعادل در طبیعت می شود.

۲- كَانَ الْفَلَّاحُ يَمْلِكُ مَزْرَعَةً فِي شَمَالِ إِيرَانَ يَزْرَعُ فِيهَا الرُّزَّ. نادرست ✗
معنی: کشاورز، مالک کشتزاری در شمال ایران بود که در آن برج می‌کاشت.

۳- ظَنَّ الْمُزَارِعُ أَنَّ الْبُومَاتِ هِيَ الَّتِي تَأْكُلُ أَفْرَاحَ الطُّيُورِ. درست ✓
معنی: کشاورز گمان کرد که جغدها همان پرندگانی اند که جوجه های پرندگان را می خورند.

۴- أَلْزَارِعُ لَمْ يَسْمَحْ لِلتَّعَالِبِ بِالْدُخُولِ إِلَى مَزْرَعَتِهِ. نادرست ✗
معنی: کشاورز به روباه ها اجازه نداد که به کشتزارش وارد شوند.

۵- كَانَ الْمُزَارِعُ يُرَبِّي الطُّيُورَ وَالْبُومَاتِ فِي مَزْرَعَتِهِ. نادرست ✗
معنی: کشاورز پرندگان و جغدها را در کشتزارش پرورش می داد.

۶- فِي النِّهَايَةِ حَافِظُ الْمُزَارِعِ عَلَى الطُّيُورِ وَ أَفْرَاحِهَا. درست ✓
معنی: در پایان کشاورز از پرندگان و جوجه هایش حفاظت کرد

۷- تُعَدُّ النِّفَايَاتُ الصِّنَاعِيَّةُ تَهْدِيداً لِنِظَامِ الطَّبِيعَةِ. درست ✓
معنی: پسماندهای صنعتی تهدیدی برای نظم (نظام) طبیعت هستند.

۲- اِبْتِخِبَ الْكَلِمَةُ الصَّحِيحَةُ لِلْفَرَاغِ.

واژه درست برای جای خالی را برگزین.

۱- بَعْدَ (سَنِينَ / شَهْوَرٍ) شَاهَدَ الْمُزَارِعُ أَنَّ الْخَضِرَاوَاتِ بِالْمَزْرَعَةِ تَتَعَرَّضُ لِلْأَكْلِ وَ التَّلَفِ.
معنی: کشاورز پس از چند ماه، دید که سبزیجات کشتزار در معرض خوردن و تلف شدن قرار می‌گیرد.

۲- كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنْ (التَّعَالِبِ / الْفِرَانِ) تَهْجُمُ عَلَى الْخَضِرَاوَاتِ وَ تَأْكُلُهَا.
معنی: گروه بزرگی از موش‌ها به سبزیجات حمله می‌کردند و آنها را می خوردند.

۳- عَيْشُ الْحَيَوَانَاتِ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ يُحَقِّقُ إِيجَادَ (النِّفَايَةِ / التَّوَاظُنِ) فِي الطَّبِيعَةِ.
معنی: زندگی جانداران از یکدیگر (تغذیه جانوران از همدیگر) تعادل طبیعت را محقق می‌سازد.

۴- أَيْ خَلَّلَ فِي نِظَامِ الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى تَخْرِيْبِهَا وَ (مَوْتٍ / حَيَاةٍ) مَنْ فِيهَا.
معنی: هرگونه آسیبی در نظم (نظام) طبیعت، منجر به ویران‌سازی آن و مرگ هرکه در آن است می‌شود.

۵- إِبْجَادُ النُّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ وَ الْمَنْزِلِيَّةِ (يُهْدَدُ / لَا يُهْدَدُ) نِظَامُ الطَّبِيعَةِ.
معنی: ایجاد پسماندهای صنعتی و خانگی، نظم (نظام) طبیعت را تهدید می‌کند.

۶- تَدَخُّلُ الْإِنْسَانِ فِي أُمُورِ الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى (تَنْظِيمٍ / إِخْتِلَالٍ) تَوَازُنِهَا.
معنی: دخالت انسان در امور طبیعت، منجر به برهم خوردن تعادل آن می‌شود.

۷- هَدَّدَ الْمَزَارِعَ الطَّبِيعَةَ فِي مَرْزَعَتِهِ بِ (حِفْظٍ / قَتْلِ) بَوْمَاتِهَا.
معنی: کشاورز، طبیعت را در کشتزارش با کشتن جغدهای آن تهدید کرد.

کشاورز بعد از چند ماه دید که سبزیجات مزرعه در معرض خوردن و تلف شدن قرار می‌گیرد.

۱- بَعْدَ (سِنِينَ) شَهْرٍ (★) شَاهَدَ الْمَزَارِعَ أَنَّ الْخَضِرَاتِ بِالْمَرْزَعَةِ تَتَعَرَّضُ لِلْأَكْلِ وَ التَّلَفِ.

۲- كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ (الثَّعَالِبِ) الْفَتْرَانِ (★) تَهْجُمُ عَلَى الْخَضِرَاتِ وَ تَأْكُلُهَا.

گروه بزرگی از موش‌ها به سبزیجات حمله می‌کردند و آنها را می‌خوردند

۳- عَيْشُ الْحَيَوَانَاتِ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ يُحَقِّقُ إِبْجَادَ (النُّفَايَةِ) (★) التَّوَازُنِ (★) فِي الطَّبِيعَةِ.

تغذیه حیوانات از یکدیگر تعادل در طبیعت را محقق می‌سازد

۴- أَيْ خَلَّلَ فِي نِظَامِ الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى تَخْرِيْبِهَا وَ (مَوْتٍ / حَيَاةٍ) مَنْ فِيهَا.
هر اختلالی در نظام طبیعت به ویران‌سازی آن و مرگ هر که در آن است منجر می‌شود

۵- إِبْجَادُ النُّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ وَ الْمَنْزِلِيَّةِ (يُهْدَدُ / لَا يُهْدَدُ) نِظَامُ الطَّبِيعَةِ.

ایجاد زباله‌های صنعتی و خانگی نظم به طبیعت را تهدید می‌کند

۶- تَدَخُّلُ الْإِنْسَانِ فِي أُمُورِ الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى (تَنْظِيمٍ) إِخْتِلَالِ (★) تَوَازُنِهَا.
دخالت انسان در امور طبیعت به برهم خوردن (عدم) تعادل آن منجر می‌شود

۷- هَدَّدَ الْمَزَارِعَ الطَّبِيعَةَ فِي مَرْزَعَتِهِ بِ (حِفْظٍ) قَتْلِ (★) بَوْمَاتِهَا.

کشاورز طبیعت را در مزرعه‌اش با کشتن جغدهای آن تهدید کرد

جواب صفحه ۵۹ عربی دوازدهم انسانی

- دو کلمه «صَادِقًا» و «الصَّالِحِينَ» در جملات سوم و چهارم چه نقشی دارند؟
جواب: «صَادِقًا» صفت و «الصَّالِحِينَ» مضاف الیه است.

ترجمه صفحه ۶۳ عربی دوازدهم انسانی

إِنْخِيبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَفْعُولَ الْمُطْلَقَ، وَ اذْكُرْ نَوْعَهُ.

خودت را بیازما: ترجمه درست را بگزین؛ سپس مفعول مطلق را شناسایی کن و نوعش را یاد کن

۱- فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا / مفعول مطلق نوعی (موصوف و صفت)

(الف) قطعاً شکیبایی کن.

(ب) به زیبایی صبر کن ✓

۲... -اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا / مفعول مطلق نوعی (موصوف و صفت)

الف) خدا را همیشه یاد کنید.

ب) خدا را بسیار یاد کنید ✓

۳... -كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا / مفعول مطلق تأکیدی

الف) خدا با موسی قطعاً سخن گفت ✓

ب) خدا با موسی سخنی گفت.

۴... -وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا / مفعول مطلق تأکیدی

الف) و مانند ملائک فرود آمدند.

ب) و فرشتگان قطعاً فرود آورده شدند ✓

جواب تمرین صفحه ۶۴ عربی دوازدهم انسانی

الْتَّمَارِين

♦ تمرین یک_ الاول

□ عَيْنَ كَلِمَةٍ مُنَاسِبَةٍ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ مُعْجَمِ الدَّرْسِ.

واژه مناسب برای توضیحات زیر را از واژه نامه درس شناسایی کن.

۱ -أَنْوَاعٌ مِنَ النَّبَاتَاتِ الَّتِي يَتَغَذَّى الْإِنْسَانُ بِهَا: .الْخَضِرَاوَاتِ

معنی: انواع گیاهانی که مردم می‌خورند. سبزیجات

۲ -أَرْضٌ وَاسِعَةٌ خَضِرَاءُ تُزْرَعُ فِيهَا أَنْوَاعُ الْمَحَاصِلِ: .الْحَقْلُ

معنی: زمینی وسیع و سبز که انواع محصولات در آن کاشته می‌شود. دشت

۳ -عَالِمٌ مُتَخَصِّصٌ بِأُمُورٍ مِنْهُنَّ أَوْ عَمَلٍ أَوْ بَرْنَامَجٍ: .الْخَبِيرُ

معنی: دانای متخصص در امور پیشه‌ای یا کاری یا برنامه‌ای. کارشناس

۴ -مَوَادُّ كِيمِيَاوِيَّةٌ وَ طَبِيعِيَّةٌ لِتَقْوِيَةِ الثَّرَابِ الضَّعِيفِ: .السَّمَادُ

معنی: مواد شیمیایی و طبیعی برای توانمندسازی خاک تاتوان. تقویت خاک ضعیف

۵ -حَيَوَانٌ صَغِيرٌ يَعِيشُ تَحْتَ الْأَرْضِ يَنْقُلُ دَاءَ الطَّاعُونِ؛ وَ الْقِطُّ مِنْ أَعْدَانِهِ: .الْفَأْرُ

معنی: جاننداری کوچک که زیر زمین زندگی می‌کند؛ بیماری طاعون را منتقل می‌سازد و گریه از دشمنانش است. موش

♦ تمرین دوم_ الثاني

□ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ؛ ثُمَّ عَيْنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الْحُمْرَاءِ، وَ اكْتُبِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

متن زیر را بخوان؛ سپس ترجمه واژگان قرمز را شناسایی کن و آنچه را از تو خواسته شده بنویس.

الْكِتَابُ الْخَامِسُ وَالْأَرْبَعُونَ مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ

إلى عُثْمَانَ بْنِ حُنَيْفٍ عَامِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى الْبَصْرَةِ
أَمَّا بَعْدُ، يَا ابْنَ حُنَيْفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْذَبَةٍ^٢
فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا؛ ... وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ^٣ مَجْفُوقٌ^٤ وَ
عَنْيَهُمْ مَدْعُوٌّ^٥.

... أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ^٦ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ^٧ وَيَسْتَضِيءُ^٨ بِنُورِ عَلَيْهِ.
أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى^٩ مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ^{١٠} وَمِنْ طُعْمِهِ^{١١} بِقُرْصِيهِ^{١٢}.
أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعْيُنُونِي^{١٣} بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسَدَادٍ^{١٤}.

- ١- الْفِتْيَةُ: الشَّبَابُ «مُفْرَدَةً: الْفَتَى» ٢- الْمَأْذَبَةُ: مَائِدَةُ الضَّيَافَةِ ٣- الْعَائِلُ: الْفَقِير ٤- الْمَجْفُوقُ: الْمَطْرُودُ
٥- الْمَدْعُوُّ: الَّذِي قَدْ دَعَوْنَاهُ ٦- الْمَأْمُومُ: النَّاجِ، الَّذِي خَلَفَ الْإِمَامَ ٧- يَقْتَدِي: تَبِعَ
٨- يَسْتَضِيءُ: طَلَبَ الضُّوءَ ٩- اكْتَفَى بِهِ: جَعَلَهُ كَافِيًا ١٠- الطَّمَرُ: اللَّبَاسُ الْعَتِيقُ «جَمْعُهُ: الْأَطْمَارُ» ١١- الطُّعْمُ: الطَّعَامُ
١٢- الْقُرْصُ: قِطْعَةٌ مِنَ الْخُبْزِ وَنَحْوِهِ دَائِرِي الشَّكْلِ ١٣- أَعْيُنُونِي: اتَّبِعُونِي ١٤- السَّدَادُ: الصُّوَابُ (دُرُسْتِي)

جواب تمرین صفحه ۶۵ عربی دوازدهم انسانی

نامه چهل و پنجم نهج البلاغه
به عثمان بن حنیف استاندار امیرالمؤمنین علی در بصره
اما پس [از یاد خدا و پیامبر] ای پسر حنیف، به من [خبر] رسید که مردی از مردان بصره، تو را به سفره مهمانی خویش
فرا خواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی.
گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که تهیدستان رانده و ثروتمندشان دعوت شده است.
آگاه باشید که هر رهروی پیشوایی دارد که از او پیروی می‌کند و از نور دانشش روشنی می‌جوید.
آگاه باشید امامتان از دنیایش به دو جامه کهنه و از خوراکش به دو قرص نان بسنده کرده است.
آگاه باشید که قطعاً شما نمی‌توانید چنین کنید؛ ولی با پارسایی و تلاش و پاکدامنی و درستی، مرا یاری دهید.

١ - عَيْنُ نُونٍ الْوَقَايَةِ فِي النَّصِّ: بَلَغَنِي، أَعْيُنُونِي
معنی: نون وقایه در متن را شناسایی کن.

٢ - أَعْرَبَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:
معنی: اعراب واژگانی را زیر آنها خط است بازگو کن.

أَمَّا بَعْدُ، يَا ابْنَ حُنَيْفٍ، فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْذَبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا.
معنی: اما پس [از یاد خدا و پیامبر] ای پسر حنیف، به من [خبر] رسید که مردی از مردان بصره، تو را به مهمانی خویش
فراخواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی.
حُنَيْفٍ: مضاف الیه؛ مجرور به کسره
رَجُلًا: اسم «أَنَّ» منصوب؛ نصب آن به فتحه

فَتْيَه: مجرور به حرف جرّ؛ جرّ آن به کسره
البَصْرَه: مضاف الیه؛ مجرور به کسره
مَادُّبِه: مجرور به حرف جرّ؛ جرّ آن به کسره

۳- عَيْنُ مِنَ النَّصِّ كَلِمَةً عَلَى وَزْنِ «أَفْعَلْتُ» وَ الْأُخْرَى عَلَى وَزْنِ «إِفْتِعَالٍ»: «أَسْرَعْتُ وَ اجْتِهَدْتُ»
معنی: از متن واژه ای را بر وزن «أَفْعَلْتُ» و دیگری بر وزن «إِفْتِعَالٍ» شناسایی کن.

۴- عَيْنُ نَوْعِ فِعْلٍ «لَا تَقْدِرُونَ» وَ صِيغَتُهُ: مضارعٌ منفيٌّ، جمعٌ مذكرٌ مخاطبٌ
معنی: نوع فعل «لَا تَقْدِرُونَ» و صیغه آن را بازگو کن.

جواب تمرین صفحه ۶۶ عربی دوازدهم انسانی

♦ تمرین سوم _ الثالث

□ ترجم الكلمات التالية .

واژگان زیر را ترجمه کن.

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمُضَدَّر	إِسْمُ الْفَاعِلِ
قَدْ أَرْسَلَ:	سَوْفَ يُرْسَلُ:	أَرْسِلُوا:	الْإِرْسَالُ:	الْمُرْسِلُونَ:
فرستاده است	خواهد فرستاد	بفرستید	فرستادن	فرستادگان
انْتَبَهَ:	سَتَنْتَبِهُونَ:	انْتَبِهُوا:	الْإِنْتِبَاهُ:	الْمُنْتَبِهِينَ:
آگاه شد	آگاه خواهید شد	آگاه شوید	آگاه شدن	آگاه شدگان
انْسَحَبْتُ:	لَا يَنْسَحِبُ:	لَا تَنْسَحِبُ:	الْإِنْسِحَابُ:	الْمُنْسَحِبُ:
عقب نشینی کردید	عقب نشینی نمی کند	عقب نشینی نکن	عقب نشینی کردن	عقب نشینی کننده
مَا اسْتَرْجَعَ:	يَسْتَرْجِعُ:	لَا تَسْتَرْجِعِي:	الْإِسْتِرْجَاعُ:	الْمُسْتَرْجِعُ:
پس نگرفت	پس می گیرد	پس نگیر	پس گرفتن	پس گیرنده
مَا جَادَلَ:	لَمْ يُجَادِلْ:	لَا تُجَادِلُوا:	الْمُجَادَلَةُ:	الْمُجَادِلَانِ:
بحث نکرد	بحث نکرده است	بحث نکنید	بحث کردن	بحث کنندگان
لَمْ + مضارع = ماضی منفی ساده یا ماضی نقلی منفی				
تَذَكَّرَ:	يَتَذَكَّرَانِ:	تَذَكَّرُ:	التَّذَكُّرُ:	الْمُتَذَكِّرَاتُ:
به یاد آورد	به یاد می آورند	به یاد بیاور	به یاد آوردن	به یاد آورندگان
تَنَاصَرُوا:	تَتَنَاصَرُونَ:	رَجَاءُ تَنَاصَرُوا:	التَّنَاصُرُ:	الْمُتَنَاصِرِينَ:
همیاری کردند	همیاری می کنند	لطفاً همکاری کنید	همیاری کردن	همیاری کنندگان
ترجمه ی باب تفاعل از باهمدیگر و با یکدیگر استفاده می کنیم				
قَدْ سَجَلَ:	تُسَجَّلِينَ:	سَجِّلُ:	التَّسْجِيلُ:	الْمُسَجَّلَةُ:
ضبط کرده است	ضبط می کنی	ضبط کن	ضبط کردن	دستگاه ضبط صوت

الْمَاضِي

قَدْ أَرْسَلَ: فرستاده است

انْتَبَهَ: آگاه شد

انْسَحَبْتُ: عقب نشینی کردید

مَا اسْتَرْجَعَ: پس نگرفت

مَا جَادَلَ: بحث نکرد

تَذَكَّرَ :به یاد آورد
تَنَاصَوْا :همیاری کردند
قَدْ سَجَلَ :ضبط کرده است

الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ
سَوْفَ يُرْسِلُ :خواهد فرستاد
سَتَنْتَبِهُونَ :آگاه خواهید شد
لَا يَنْسَحِبُ :عقب‌نشینی نمی‌کند
يَسْتَرْجِعُ :پس می‌گیرد
لَمْ يُجَادِلْ :بحث نکرد، بحث نکرده است
يَتَذَكَّرَانِ :به یاد می‌آورند
تَتَنَاصَوْنَ :همیاری می‌کنید
تُسَجِّلِينَ :ضبط می‌کنی

الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ
أَرْسَلُوا :بفرستید
انْتَبِهُوا :آگاه شوید
لَا تَنْسَحِبُ :عقب‌نشینی نکن
لَا تَسْتَرْجِعِي :پس نگیر
لَا تُجَادِلُوا :بحث نکنید
تَذَكَّرَ :به یاد بیاور
رَجَاءً تَنَاصَرُوا :لطفاً همیاری کنید
سَجَلَ :ضبط کن

الْمَصْدَرُ
إِرْسَال :فرستادن
إِنْتِبَاه :آگاه شدن
إِنْسِحَاب :عقب‌نشینی کردن
إِسْتَرْجَاع – :پس گرفتن
مُجَادَلَه :بحث کردن
تَذَكَّرَ :به یاد آوردن
تَنَاصَرُ :همیاری کردن
تُسَجِّلُ :ضبط کردن

إِسْمُ الْفَاعِلِ
مُرْسِلُونَ :فرستندگان
مُنْتَبِهِينَ :آگاه شدگان
مُنْسَحِب :عقب‌نشینی کننده
مُسْتَرْجِع :پس گیرنده
مُجَادِلَانِ :دو بحث کننده، بحث کنندگان

مُتَذَكِّرَاتُ: به یاد آورندگان
مُتَنَاصِرِينَ: همیاری کنندگان
مُسَجَّلُهُ: ضبط کننده، دستگاه ضبط صوت

♦ تمرین چهارم _ الرابع

اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ:

محاسبات ریاضی زیر را مانند نمونه بنویس.

۱- تِسْعَةُ زَائِدُ أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثَةَ عَشَرَ. $9+4=13$

۲- سَبْعَةٌ فِي خَمْسَةٍ يُسَاوِي خَمْسَةَ وَ ثَلَاثِينَ. $7 \times 5 = 35$

۳- أَرْبَعُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي عَشْرَةً. $40 \div 4 = 10$

۴- سِتَّةٌ وَ تِسْعُونَ نَاقِصٌ سِتَّةَ عَشَرَ يُسَاوِي ثَمَانِينَ. $96-16=80$

۵- ثَمَانِيَةٌ وَ سِتُّونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي سَبْعَةَ وَ خَمْسِينَ. $68-11=57$

۶- وَاحِدٌ وَ عِشْرُونَ زَائِدُ اثْنَيْنِ وَ سَتِينَ يُسَاوِي ثَلَاثَةَ وَ ثَمَانِينَ. $21+62=83$

معنی: ۱- نه بعلاوه چهار برابر سیزده می‌شود.

۲- هفت در پنج برابر سی و پنج می‌شود.

۳- چهل تقسیم بر چهار برابر ده می‌شود.

۴- نود و شش منهای شانزده برابر هشتاد می‌شود.

۵- شصت و هشت منهای یازده برابر پنجاه و هفت می‌شود.

۶- بیست و یک بعلاوه شصت و دو برابر هشتاد و سه می‌شود.

جواب تمرین صفحه ۶۷ عربی دوازدهم انسانی

♦ تمرین پنجم _ الخامس

اَعْيِنْ اِعْرَابَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ.

اعراب آنچه را با خط به آن اشاره شده بازگو کن.

الْمُبْتَدَأُ، الْخَبَرُ، الْفَاعِلُ، الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ، نَائِبُ الْفَاعِلِ، الْمُضَافُ إِلَيْهِ، الْمَجْرُورُ بِحَرَفِ الْجَرِّ، الصِّفَةُ، اسْمُ
الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ وَ خَبَرُهُ، اسْمُ لَا النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ وَ خَبَرُهُ، الْحَالُ، الْمُسْتَشْتَلُ

۱ - إِنَّ اللَّهَ غَافِرُ ذُنُوبِ التَّائِبِينَ.

معنی: همانا خداوند آمرزنده گناهان توبه کنندگان است.

الله: اسم «إِنَّ» منصوب به فتحه

غَافِرُ: خبر «إِنَّ» مرفوع به ضمه

ذُنُوبِ: مضاف الیه مجرور به کسره

التَّائِبِينَ: مضاف الیه مجرور به کسره

۲ - لَاشَيْءَ أَحَقُّ بِالسِّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ.

معنی: هیچ چیزی شایسته‌تر به زندانی شدن از زبان نیست.

شَيْءَ: اسم «لَا» مبنی بر فتح

أَحَقُّ: خبر «لَا» مرفوع به ضمه

اللِّسَانِ: مجرور به حرف جرّ

۳ - الْحَيَاءُ مُسْتَمِرَّةٌ سِوَاءَ ضَحِكْتَ أَمْ بَكَيْتَ.

معنی: زندگانی ادامه دارد چه بخندی چه بگری.

الْحَيَاءُ: مبتدأ، مرفوع به ضمه

مُسْتَمِرَّةٌ: خبر، مرفوع به ضمه

۴ - مَنْ لَمْ يُؤَدِّبْهُ الْوَالِدَانِ صَغِيرًا يُؤَدِّبْهُ الزَّمَنُ.

معنی: هرکس را در کودکی پدر و مادر ادب نکنند، روزگار ادبش می‌کند.

الْوَالِدَانِ: فاعل، مرفوع به «ا»

صَغِيرًا: حال، منصوب به فتحه

الزَّمَنُ: فاعل، مرفوع به ضمه

۵ - يَهْتَمُّ الْمُوَاطِنُ الْفَهِيمُ بِنَظَافَةِ الْبَيْتِ اهْتِمَامًا بِالْغَا.

معنی: شهروند فهمیده توجه بسیاری به پاکیزگی زیستگاه می‌کند.

الْمُوَاطِنُ: فاعل، مرفوع به ضمه

الْبَيْتِ: مضاف الیه مجرور به کسره

اهْتِمَامًا: مفعول مطلق نوعی، منصوب به فتحه

بِالْغَا: صفة، منصوب به تعبیت نصب آن به فتحه

۶ - لَا يُتْرَكُ الصَّدِيقُ بِسَبَبِ زَلَّةٍ أَوْ عَيْبٍ فِيهِ؛ لِأَنَّهُ لَا يَوْجَدُ أَحَدٌ كَامِلٌ إِلَّا اللَّهُ.

معنی: دوست به علت لغزش یا عیبی که در اوست ترک نمی‌شود، برای اینکه او کسی را غیر از خداوند کامل نمی‌یابد.

الصَّدِيقُ: نائب فاعل، مرفوع به ضمه

زَلَّةٍ: مضاف الیه، مجرور به کسره

كَامِلٌ: صفة، مرفوع به تعبیت رفع آن به ضمه

اللَّهُ: مستثنی، منصوب به فتحه

۷ - يَرَى الْمُتَشَانِمُ الصُّعُوبَةَ فِي كُلِّ فُرْصَةٍ؛ أَمَّا الْمُتَقَانِلُ فَيَرَى الْفُرْصَةَ فِي كُلِّ صُعُوبَةٍ.

معنی: بدبین دشواری را در هر فرصتی می‌بیند؛ اما خوش‌بین در هر دشواری فرصت را می‌بیند.

الْمُتَشَانِمُ: فاعل، مرفوع به ضمه

الصُّعُوبَةُ: مفعول، منصوب به فتحه

الْفُرْصَةُ: مفعول، منصوب به فتحه

جواب تمرین صفحه ۶۸ عربی دوازدهم انسانی

♦ تمرین ششم _ السادس

□ أَكْمِلْ فَرَاجَاتِ التَّرْجَمَةِ؛ ثُمَّ أَعْرِبْ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.

جای خالی را با ترجمه کامل کن؛ سپس اعراب آنچه را با خط به آن اشاره شده بازگو کن.
بَعْضُ الطُّيُورِ قَدْ تَلَجَّأَ إِلَى جَيْلٍ لَطَرْدٍ مُفْتَرِسٍ عَنْ عَشِيرَتِهَا، وَ مِنْ هَذِهِ الْجَيْلِ أَنَّ أَحَدَ الطُّيُورِ حِينَ يَرَى حَيَوَاناً مُفْتَرِساً قَرِيباً مِنْ عَشِيرَتِهِ، يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ، فَيَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمَفْتَرِسَ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ، وَ يَبْتَغِدُ عَنْ الْعَشِيرَةِ ابْتِعَاداً كَثِيراً. وَ عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَ ابْتِعَادِهِ مِنْ عَشِيرَتِهِ وَ إِنْقَاضِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ مِنَ الْمَوْتِ يَطِيرُ بَعْتَهُ طَيْرَاناً سَرِيعاً.
گاهی برخی پرندگان برای ... دور کردن ... شکارچی‌شان از لانه‌شان به چاره اندیشی پناه می‌برند (چاره جویی می‌کنند). از جمله این چاره اندیشی‌ها این است که هنگامی که یکی از این پرنده‌ها جانوری درنده نزدیک لانه‌اش ... می‌بیند ...، روبه رویش وانمود می‌کند که ... بالش ... شکسته است، در نتیجه جانور درنده این شکار را تعقیب می‌کند و از لانه، بسیار ... دور می‌شود ... و وقتی پرنده از نیرنگ زدن به دشمن و دور شدنش از لانه‌اش و نجات دادن زندگی جوجه‌هایش مطمئن می‌شود، ناگهان ... پرواز می‌کند....

بَعْضُ: مبتدا مرفوع به ضمه

عَشْرٌ: مجرور به حرف جرّ

حَيَوَانَا: مفعول منصوب به فتحه

الْحَيَوَانُ: فاعل مرفوع به ضمه

الْمَفْتَرِسُ: صفت مرفوع به تبعیت

خِدَاعٌ: مجرور به حرف جرّ

عَشْرٌ: مجرور به حرف جرّ

حَيَاةٍ: مضاف الیه مجرور به کسره

جواب تمرین صفحه ۶۹ عربی دوازدهم انسانی

♦ تمرین هفتم _ السَّابِعُ

□ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

محل اعرابی آنچه را زیر آن خط است بازگو کن.

۱ - إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً

معنی: همانا ما به تو پیروزی آشکاری بخشیدیم.

فَتَحْنَا: مفعول مطلق

مُبِيناً: صفت

۲ - إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً

معنی: ما بی گمان قرآن را بر تو فرو فرستادیم

الْقُرْآنُ: مفعول به

تَنْزِيلاً: مفعول مطلق

۳- يَنْقُصُ كُلُّ شَيْءٍ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمُ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ.

معنی: هر چیزی با انفاق می کاهد به جز دانش که می افزاید.

كُلُّ: فاعل

بالإنفاق: جار و مجرور

العلم: مستثنی

۴- يَعِيشُ الْبَخِيلُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَ يُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ مُحَاسِبَةَ الْأَغْنِيَاءِ.

معنی: بخیل در دنیا مانند نیازمند زندگی می کند و در آخرت مانند ثروتمند محاسبه می شود.

البخيل: فاعل

عیش: مفعول مطلق

الْفُقَرَاءِ: مضاف الیه

مُحَاسِبَةَ: مفعول مطلق

الأغنياء: مضاف الیه

♦ تمرین هشتم _ الثامن

■ تَرْجِمِ النَّصَّ التَّالِيَ؛ ثُمَّ أَجِبْ عَمَّا يَلِي.

متن زیر را ترجمه کن؛ سپس پاسخ آنچه را می آید بده

السَّمَكُ الْمَدْفُونُ

يُوجَدُ نَوْعٌ مِنَ الْأَسْمَاقِ فِي إِفْرِيقِيَا يَسْتُرُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْجَفَافِ فِي غِلَافٍ مِنَ الْمَوَادِّ الْمُخَاطِيَةِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ، وَ يَدْفِنُ نَفْسَهُ تَحْتَ الطِّينِ، ثُمَّ يَنَامُ نَوْمًا عَمِيقًا أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ، وَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْمَاءِ وَ الطَّعَامِ وَ الْهُوَاءِ اخْتِیَاجَ الْأَحْيَاءِ؛ وَ يَعِيشُ دَاخِلَ حُفْرِهِ صَغِيرَةٍ فِي انْتِظَارِ نَزُولِ الْمَطَرِ، حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْغِلَافِ خُرُوجًا عَجِيبًا. أَمَّا الصَّيَّادُونَ الْفَرِيقِيُّونَ فَيَذْهَبُونَ إِلَى مَكَانٍ اخْتَفَانِهِ قَبْلَ نَزُولِ الْمَطَرِ وَ يَحْفِرُونَ التُّرَابَ الْجَافَّ لِصَيْدِهِ.

ماهی دفن شده

در آفریقا نوعی ماهی وجود دارد که هنگام خشکسالی خودش را در پوششی از مواد مخاطی پنهان می کند که از دهانش بیرون می آید و خودش را زیر گِل دفن می کند. سپس بیشتر از یک سال به خوابی عمیق فرو می رود و به آب و خاک و هوا نیاز ندارد. درون چاله ای کوچک چشم به راه بارش باران زندگی می کند: تا این که از آن پوشش بیرون بیاید. صیادان آفریقایی به محل پنهان شدن پیش از بارش باران می روند و برای شکار او خاک خشک را حفر می کنند.

جواب تمرین صفحه ۷۰ عربی دوازدهم انسانی

۱- أَيْنَ يُوْجَدُ هَذَا السَّمَكُ؟ يُوْجَدُ فِي إِفْرِيقِيَا.

معنی: این ماهی کجا یافت می شود؟ در آفریقا یافت می شود.

۲- كَمْ مَدَّةً يَنَامُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ؟ يَنَامُ أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ.

معنی: شش ماهی چه مدتی می خوابد؟ بیش از یک سال می خوابد.

۳- فِيمَ يَسْتُرُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ نَفْسَهُ؟ يَسْتُرُ نَفْسَهُ فِي غِلَافٍ مِنَ الْمَوَادِّ الْمُخَاطِيَةِ.

معنی: شش ماهی خودش را در چه چیزی پنهان می کند؟ خودش را در پوششی از مواد مخاطی پنهان می کند.

۴- كَيْفَ يَصْنَعُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ الْمَوَادَّ الْمُخَاطِيَّةَ؟ مِنَ الْمَوَادِّ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ فِيهِ

معنی: شش‌ماهی مواد مخاطی را چگونه می‌سازد؟ خودش را در پوششی از مواد مخاطی پنهان می‌کند.

۵- مَا اسْمُ الْقَارِهِ الَّتِي تَعِيشُ فِيهَا السَّمَكُ الْمَدْفُونُ؟ اسْمُهَا إَفْرِيقِيَا.

معنی: قاره‌ای که شش‌ماهی در آن زندگی می‌کند چه نام دارد؟ نامش آفریقا است.

۶- مَنْ يَحْفِرُ التُّرَابَ الْجَافَّ لِمَصِيدِ السَّمَكِ الْمَدْفُونِ؟ يَحْفِرُ الصَّيَادُونَ الْإِفْرِيقِيُّونَ

معنی: چه کسی خاک خشک را برای شکار شش‌ماهی می‌کند؟ شکارچی‌های آفریقایی حفر می‌کنند.

۷- لِمَاذَا يَحْفِرُ الصَّيَادُونَ الْإِفْرِيقِيُّونَ التُّرَابَ الْجَافَّ حَسَبَ النَّصِّ؟ يَحْفِرُونَ التُّرَابَ الْجَافَّ لِمَصِيدِ السَّمَكِ الْمَدْفُونِ.

معنی: با توجه به متن چرا شکارچیان آفریقایی خاک خشک را می‌کنند؟ خاک خشک را برای شکار شش‌ماهی می‌کنند.

۸- مَتَى يَسْتَرُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ نَفْسَهُ فِي غِلَافٍ مِنَ الْمَوَادِّ الْمُخَاطِيَّةِ؟ عِنْدَ الْجَفَافِ.

معنی: کی شش‌ماهی خودش را در پوششی از مواد مخاطی پنهان می‌کند؟ هنگام خشکسالی

۹- ابْحَثْ عَنْ مُضَادِّ «تَدْخُلُ وَفَوْقَ وَآمَاتُ وَيَمُوتُ وَصُعُودُ» وَ«مُتَرَادِفِ «غِذَاءُ وَيَرُوحُ وَعَامُ وَيَرْقُدُ».

معنی: به دنبال متضاد «تَدْخُلُ وَفَوْقَ وَآمَاتُ وَيَمُوتُ وَصُعُودُ» و مترادف «غِذَاءُ وَيَرُوحُ وَعَامُ وَيَرْقُدُ» بگرد.

تَدْخُلُ = تَخْرُجُ

(داخل می‌شود / خارج می‌شود)

فَوْقَ = تَحْتَ

(بالا / زیر)

آمَاتُ = أَحْيَاءُ

(مردگان / زندگان)

يَمُوتُ = يَحْيِي

(می‌میرد / زندگی می‌کند)

صُعُودُ = نَزُولُ

(اوج گرفتن / فرود آمدن)

غِذَاءُ = طَعَامُ

(خوراک)

يَرُوحُ = يَذْهَبُ

(می‌رود)

عَامُ = سَنَةٌ

(سال)

يَرْقُدُ = يَنَامُ

(می‌خوابد)

۱۰- ابْحَثْ عَنْ «الْمَفْعُولِ الْمُطْلَقِ» وَ «الْمُضَافِ إِلَيْهِ» وَ «الْصِّفَةِ» وَ «الْجَارِ وَ الْمَجْرُورِ».

دنبال «الْمَفْعُولِ الْمُطْلَقِ» وَ «الْمُضَافِ إِلَيْهِ» وَ «الْصِّفَةِ» وَ «الْجَارِ وَ الْمَجْرُورِ» بگرد.

الْمَفْعُولِ الْمُطْلَقِ: نَوْماً عميقاً؛ احتیاج الأحياء؛ خروجاً عجيباً

الْمُضَافِ إِلَيْهِ: نَفْسُهُ؛ عِنْدَ الْجَفَافِ؛ فَمِهِ؛ نَفْسُهُ؛ تَحْتَ الطَّيْنِ؛ دَاخِلَ حُفْرِهِ؛ انْتِظَارِ نُزُولِ الْمَطَرِ؛ مَكَانِ اخْتِفَائِهِ؛ قَبْلَ نُزُولِ الْمَطَرِ؛ صَبِيحَهُ.

الصِّفَةُ: المَوَادُّ الْمُخَاطَبَةُ؛ نَوْماً عَمِيقاً؛ حُفْرَةً صَغِيرَةً؛ خُرُوجاً عَجِيباً؛ الصَّيَادُونَ الْإِفْرِيقِيُّونَ؛ التُّرَابُ الْجَافُّ.
الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ: مِنَ الْأَسْمَاكِ؛ فِي إِفْرِيقِيَا؛ فِي غِلَافٍ؛ مِنَ الْمَوَادِّ؛ مِنْ قَمٍ؛ مِنْ سَنَةٍ؛ إِلَى الْمَاءِ؛ فِي انْتِظَارٍ؛ مِنْ الْغِلَافِ؛ إِلَى مَكَانٍ.

١١ - اِبْحَثْ عَنْ أَسْمَاءِ الْجَمْعِ السَّالِمِ وَ الْمُكَسَّرِ وَ اكْتُبْ نَوْعَهَا.

الْأَسْمَاكِ: جَمْعُ مَكْسَرٍ؛ مَفْرَدُهُ سَمَكٌ

الْمَوَادُّ: جَمْعُ مَكْسَرٍ؛ مَفْرَدُهَا مَادَّةٌ

الصَّيَادُونَ: جَمْعُ مَذْكَرٍ سَالِمٍ؛ مَفْرَدُهَا صَيَّادٌ

الْإِفْرِيقِيُّونَ: جَمْعُ مَذْكَرٍ سَالِمٍ؛ مَفْرَدُهَا إِفْرِيقِيٌّ.

١٢ - اُكْتُبْ نَوْعَ فِعْلِ «يَسْتُرُ» وَ صِيغَتَهُ. أ هُوَ لَازِمٌ أَمْ مُتَعَدٍّ؟ مَضَارِعُ؛ لِلْغَنَابِ؛ مُتَعَدٍّ

مَعْنَى: نَوْعُ فِعْلِ «يَسْتُرُ» وَ صِيغَتُهُ أَنْ رَا بَنُويسَ. أَيَا أَنْ لَازِمٌ اسْتِ يَا مُتَعَدٍّ؟